اعضای پیکره‌ی عقل
 حدیث‌خوانی مواعظ العددیة- شرح حدیث ۳۸۷۶

امیرالمومنین(ع) فرمودند: «خداوند عقل را از نور پنهانی و اندوخته شده در خزانه علم خود که هیچ فرشته‌ی مقربی از آن خبر نداشت آفرید.»

علم خداوند، علم سابق است. یعنی قبل از خلقت اشیا و وقایع، نسبت به آن ها علم دارد. اما علم بشری، اطلاع یافتن از وقایع بعد از وقوع آن است.

فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ
دانش و دانایی را خود عقل قرار داد. پس عقل و علم یک چیز هستند.

وَ الْفَهْمَ رُوحَهُ
روح حیات ساری است. روح عقل، فهم است. فهم التفات و هوشیاری و پی بردن به کنه و حقیقت مسائل است.

وَ الرَّأْفَةَ قَلْبَهُ
عاقل مهربان و نرم خو است. کسی که اهل رأفت و انس و مهربانی نیست، عقلش مشکل دارد. در مقابل مهربانی، خودخواهی قرار که عمل شیطان است.

وَ الرَّحْمَةَ ذِهنَهُ
کسی که عاقل باشد، ذهنش دلسوز دیگران است.

وَ الزُّهْدَ رَأْسَهُ
زهد خلوت دنیاست. راس عقل، بیاعتنایی به دنیا و اکتفا به حداقل است. اگر راس عقل زهد است، کسی که زهد نداشته باشد، عقل ندارد.

وَ الحِلمَ وَجهَهُ
وجهه زیبایی هر چیزی است. زیبایی عقل هم بردباری است.

وَ الْحَيَاءَ عَيْنَيْهِ
کسی که بی حیا است، عاقل نیست.

وَ الحِكْمَةَ لِسَانَهُ
زبانش حکمت است، حکمت درک بایدها و نبایدها در مسائل عقلی است.

سپس عقل را با ده چیز تقویت نمود

1 الخُوفِ،
انسانی که ترس نداشته باشد، عقلش قوی نیست، راس خوف هم خوف از خداست، چون غیر از خدا هیچ چیز دیگری نیست که بخواهد ما را زمین بزند. کسی غیر از خدا در عالم کاره‌ای نیست.

2وَ الرَجاء
آدم عاقل امیدوار هم هست. آدمی که خیلی بترسد به طوری که نامید شود، باز هم عاقل نیست. انسان عاقل اصلا در بن بست گیر نمی‌کنند. بلکه می‌داند باید به لطف خدا امید داشته باشد.

3وَ الْإِيمَانِ،
ایمان همان باور است و منشا آثار اعمال است. ثمربخشی بسیاری از اعمال منوط به باور است. علت این که ما خیلی از کارها اثر نمی‌گیریم یا آن ها را ترک می‌کنیم، این است که باور نداریم.

4 وَ الْيَقِينِ،
 یقین اوج باور است. بالاترین مرتبه ایمان، اولین مرتبه یقین است.

5وَ الصِّدْقِ،
آدمی که دروغ می گوید عقلش ضعیف است. انسان عاقل می‌فهمد که با دروغ هیچ چیز عوض نمی‌شود. بلکه با صدق است که مشکلات رفع می‌شود.

6وَ السَّكِينَةِ،
سکینه آرامش و طمأنینه در عمل است.

7 وَ الفُتُوَّةِ،
 جوان مردی هم نشانه قوت عقل است، همه خیرات به عقل برمی‌گردد.

8وَ الْقُنُوعِ،
 قناعت اکتفا به حداقل است. عاقل می‌فهمد که اضافات هر امری مشکل ساز است. ما در جهانی هستیم که همانطوری که نقص امور به ما صدمه می‌زند، افراط در امور نیز زیان است.

9وَ الرِّضا،
 معنای رضا هم به نحوی قناعت است. عاقل کسی است که از آن چه که هست راضی است. کسی که غر می‌زند و ناراضی است، مشکلش عقلی است. جهان را نباید عوض کرد، عقل ها را باید تقویت کرد.

10 وَ التَّسْلِيمِ
 تسلیم در مقابل حق نشانه عقل است. کسی که نسبت به مقدرات خداوند حکیم و مدبر خود را راضی نیست، عقلش ضعیف است.

۳ مرداد ۱۳۹۸
مسجد جامع صفا